

آینده جریان صدر در افق سیاسی ۲۰۳۰ عراق

سمانه موحدی^۱، سیدروح‌الله حاج زرگرباشی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

چکیده

تشیع در عراق یکی از نهادهای مهم قدرت به حساب می‌آید که ریشه‌ای عمیق در فرهنگ عراق دارد. مقتدی صدر یکی از پرنفوذترین روحانیون عراق است که در چند سال گذشته نقش پررنگی در سیاست این کشور داشته است؛ اما سیال بودن سیاست و شخصیت مقتدی صدر، پیش‌بینی رفتار و تصمیمات سیاسی او را بسیار دشوار می‌سازد. این پژوهش با هدف آینده جریان صدر در افق سیاسی ۲۰۳۰ عراق و با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده است. براساس نتایج به دست آمده از پژوهش، جریان صدر در عراق از قابلیت قابل توجهی در بسیج عمومی و آوردن مردم به خیابان برخوردار است، در صورتی که در زمینه حکومت‌داری از نیروهای متخصص برخوردار نیست. بنابراین احتمالاً این جریان از یک‌سو برای کسب مرجعیت دینی در عراق تلاش می‌کند تا رقیبان سنتی خود را کنار بزند و از سوی دیگر تلاش خواهد کرد در ائتلاف با نیروهایی که در بعضی از سیاست‌ها با آن‌ها همسو هستند بر آینده سیاسی عراق تأثیر بگذارد.

کلیدواژه‌ها: عراق، جیش‌المهدی، جریان صدر، آینده‌پژوهی، تشیع.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) s.movahedi2022@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران r.zargarbashi@yahoo.com

مقدمه

سیاست عراق پیش از ۲۰۰۳ با سه مشکل ساختاری مواجه بود که همچنان پس از دوره صدام نیز ادامه پیدا کرد. این سه مشکل عبارتند از: شکل‌گیری جامعه براساس خشونت بالای دولت و تأثیر این خشونت بر سطوح مختلف اجتماعی؛ ایجاد وفاداری میان مردم با استفاده از اعطای مشاغل دولتی و حمایت‌های مالی و اقتصادی؛ اتکای بر منابع نفتی برای ایجاد استقلال دولت از مردم. این مشکلات ساختاری در سیاست عراق، ناشی از تنوع قومی میان اعراب عراق و ادعاهای هریک از آنان برای در دست گرفتن زمام دولت در این کشور، باعث شد تا مشروعیت داخلی عراق دچار مشکل شود. علاوه بر این معضلات، عدم موفقیت دولت عراق در کسب مشروعیت داخلی از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز و استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز توسط دولت برای کنترل جامعه، مهمترین عامل مشکلات ساختاری عراق از ابتدا تاکنون بوده است. این معضلات در دوره پس‌اصدام همچنان ادامه یافت و به دلیل ایجاد ساختار نوین فدرال دموکراتیک عراق، |به‌خصوص برای اهل سنت، مشکلات ادامه یافت و ساختار سیاسی را دچار نوعی آشفتگی سیاسی کرد که منجر به اتخاذ سیاست‌های متفاوت در دوره‌های گوناگون شد. این معضلات پس از ۲۰۰۳ تحت تأثیر سه عامل وضعیت منطقه‌ای، برداشت بازیگران منطقه‌ای از ساختار سیاسی و فضای سیاسی امنیتی این کشور قرار گرفت و در اشکال مختلف بروز پیدا کرد. در شرایطی که نقطه مشترک همه دولت‌هایی که در دوره‌های مختلف در این کشور زمام امور را در دست گرفتند این بود که این حکومت‌ها یا وابسته و دست‌نشانده کشورهای غربی بودند و یا با کودتا به قدرت رسیده بودند. ویژگی ساختار سیاسی عراق به شکل جمهوری دموکراتیک و فدرال، براساس وجود یک حکومت مرکزی و تعدادی حکومت اقلیمی باعث می‌شود که این شکل از حکومت سبب ایجاد کشمکش‌های داخلی ناشی از فدرالیسم و چالش گروه‌های قومی بر سر منابع نفتی شود.

سرنوشت صدام و نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس‌از آن، باعث ایجاد و گسترش نوعی خودآگاهی و خودباوری و توجه به اهمیت خود در معادلات سیاسی شده است. در همین راستا، مرجعیت شیعه که همواره جایگاه و نفوذ گسترده‌ای در میان شیعیان داشته، در این دوره نقش بسیار تأثیرگذاری در دولت‌سازی عراق ایفا کرده است (آدمی و ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۸).

جریان صدر به‌عنوان یک گروه اسلام‌گرای ملی‌گرای عراقی، در سال ۲۰۰۳ تأسیس و هم‌اکنون

توسط مقتدی صدر اداره می‌شود. این جنبش خود را حامی تمام مردم عراق، مخصوصاً شیعیان این کشور می‌داند. با این وجود، گسست‌ها و تداوم‌هایی در جهت‌گیری سیاسی آن وجود داشته است. این جنبش، پایه‌های فکری خود را از تبار اسلام‌گرایی انقلابی «محمدباقر صدر» می‌گیرد و به‌عنوان یک جنبش سیاسی-اجتماعی با تفاوت‌های مشهود از نقطه شروع خود به‌حیات خود ادامه می‌دهد (الزبیدی، ۲۰۱۷). به‌لطف میراث محمدصادق الصدر (پدر مقتدی صدر)، که در تحکیم مخالفان شیعه در جریان قیام‌های ۱۹۹۱ و پس از آن نقش داشت، بسیج مجدد جنبش صدر بلافاصله پس از سرنگونی صدام حسین به آسانی رخ داد. این جریان اکنون یک بازیگر سیاسی تأثیرگذار در سیاست عراق است. اگرچه مقتدی صدر تا حدودی گفتمان اسلامی را حفظ می‌کند، اما می‌توان دید که او در حال دور شدن از خط انقلابی و قرار گرفتن در یک گفتمان ملی عراقی در روند جاری ملت‌سازی عراق است. تبیین دلایل این تغییر رفتار سیاسی مستلزم مطالعه فرایندی چندمتغیره و گسترده است که تداوم‌ها و گسست‌ها را آشکار می‌کند (عزیز، ۱۹۹۳). این پژوهش به‌دنبال آن است که براساس تاریخ و اهداف شکل‌گیری این جریان در عراق به بیان آینده پیش روی این جریان تا سال ۲۰۳۰ بپردازد.

چهار چوب مفهومی و روش پژوهش

چهار الگوی برای عوامل تشکیل‌دهنده کنش جمعی با نقاط کانونی مختلف وجود دارند:

۱. رفتار جمعی که بر نارضایتی‌هایی متمرکز می‌شود که بسیج را تشدید می‌کند و عوامل محرک را از طریق محدودیت‌های سیستمی زیربنایی توضیح می‌دهد؛ ۲. بسیج منابع که رهبری سازمانی را برجسته می‌کند؛ ۳. چارچوب و هویت جمعی که عوامل محرک درونی و بیرونی فراهم‌کننده همبستگی جنبش را مورد بحث قرار می‌دهد و ۴. الگوی فرایند سیاسی، مفاهیم فرصت‌ها و محدودیت‌های سیاسی را به‌عنوان عوامل توضیح‌دهنده در ساختار سیاست‌های مشاخره‌آمیز توسعه می‌دهد (تارو، ۲۰۱۱).

رویکرد رفتار جمعی، جنبش‌های اجتماعی را به‌عنوان ناهنجاری‌های فرایندهای سیاسی جاری و ساختارهای نهادینه‌شده در نظر می‌گیرد. بر این اساس، انواع کنش‌های جمعی، از جمله جنبش‌های اجتماعی، ناشی از اختلالات نارضایتی در ساختارهای موجود و فرایندهای عادی است (اسکات، ۲۰۲۳). اساسی‌ترین انتقادی که به رویکرد رفتار جمعی وارد می‌شود این است که با مشارکت‌کنندگان جنبش‌های اجتماعی، به‌عنوان اجزای اتمی مستقل از عوامل محیطی برخورد

می‌کند. با گذشت زمان، رویکردهایی که کنش جمعی را به روشی رابطه‌ای و چندجزئی‌تر بررسی می‌کنند، بسیار بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. رویکرد دوم برخاسته از این انتقادات بود و توسط مقاله اصلی مک کارتی و زالد (۱۹۷۷) با تأکید بر «اهمیت پایه‌های سازمانی، انباشت منابع و هماهنگی جمعی برای بازیگران سیاسی محبوب»، نام بسیج منابع را گرفت. این رویکرد به‌جای استفاده از نارضایتی‌ها به‌عنوان مؤلفه اصلی و تمرکز بیش‌ازحد بر حالات روان‌شناختی بازیگران در ظهور یک جنبش اجتماعی، مجموعه منابع در دسترس مشارکت‌کنندگان جنبش و میزان ارتباط با آن‌ها را برجسته می‌کند. این‌ها در گستره وسیعی در قالب منابع اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی-سازمانی، انسانی و مادی براساس رابطه با صاحبان قدرت، با سایر جنبش‌ها متفاوت هستند.

رویکرد چارچوب‌بندی و هویت جمعی، با نگاهی فرهنگی به کنش جمعی از گرایش‌های ساختارگرایانه فراتر می‌رود. بر این اساس، این نارضایتی‌های شرکت‌کنندگان نیست، بلکه چارچوب‌بندی است که اسناد هویتی تعمیم‌یافته را ارائه می‌کند، زیرا ما و دیگران نیروهای محرکی هستند که تحرک جمعی را القا می‌کنند. در نتیجه، آنچه که به ادعای جمعی شرکت‌کنندگان فشار می‌آورد، «درک و هویت مشترک است که پیش‌فرض‌ها، عواطف و علایقی که افراد را به سمت عمل سوق می‌دهد، چارچوب می‌دهد» (تارو، ۲۰۱۱).

نقش اصلی چارچوب‌بندی این است که اطمینان حاصل شود که گروه‌ها معتقدند ادعاهای جمعی واقعی هستند و ارزش ادامه دادن را دارند. به‌طور کلی، ساختارهای سیاسی، هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌های موجود بیرونی در نظام سیاسی را شامل می‌شوند. در جایی که ساختارهای سیاسی چالش‌برانگیز ضعیف‌ترین هستند، شبکه‌های منابع ملموس و ناملموس موجود، بسته به ساختار سیاسی و کنش متقابل جنبش با همه احزاب دیگر حول هویت‌های چارچوب‌بندی وارد عمل می‌شوند. توضیح استاندارد در مورد زمان و چگونگی جرقه‌زدن کنش جمعی وجود ندارد، زیرا این یک فرایند پویای منحصربه‌فرد است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است، بنابراین نیاز به توضیح تاریخی دارد.

با این وجود، محققان به‌عنوان ترکیبی از این چهار رویکرد، چارچوب کلی را پیشنهاد می‌کنند که شرایط لازم در پیدایش و تکامل یک جنبش اجتماعی و ابزارهای تحلیلی را که محققان می‌توانند از آن استفاده کنند، ترکیب می‌کند (ساندووال، ۲۰۱۴). تجربه چالش‌ها و درک ساختارهای فرصت، نمایش حضور متحدان و آشکار شدن ضعف مخالفان، سیاست‌های منازعه‌آمیز

را معرفی می‌کند. زمانی که از منابع، شبکه‌ها و ساختارهای مرتبط برای ایجاد یک فرایند چارچوب‌بندی پرجنب‌وجوش با هویت‌های جمعی حمایت‌کننده علیه مقامات استفاده می‌شود، تعارضات، شکل جنبش اجتماعی را به خود می‌گیرند، جنبش‌ها به مرکز توجه تبدیل می‌شوند و با ایجاد مشاجره و رقابت سیاسی، امکانات خارجی را به اهرمی علیه مخالفین تبدیل می‌کنند (تیلی و تارو، ۲۰۱۵).

نقش شیعیان در تاریخ عراق

عراق با احتساب شهرهای زیارتی نجف، کربلا، کاظمین و سامرا (منطقه عتبات) و شهرهای مرکزی کوفه، حله و بغداد که فعالیت مذهبی شیعیان در آنجا شکل گرفت، با تخمین بین ۶۴ الی ۶۹ درصد (مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام) مرکز تاریخی تشیع است. با توجه به این واقعیت که دولت عثمانی نوعی سابقه رسمی برای سنجش توزیع فرقه‌ای ولایت‌های بغداد، بصره و موصل نداشت، اطلاعات موثقی وجود ندارد که اکثریت جمعیت قبل از قرن نوزدهم در عراق شیعه بوده‌اند. اگرچه معلوم است که آنها اکثریت شهرهای بغداد و بصره را شیعیان تشکیل می‌دادند، اما تنها در قرن بیستم است که شیعیان اکثریت شدند. روند استقرار شیعیان عراق به‌عنوان پدیده‌ای با ویژگی‌های بارز آن از حدود قرن شانزدهم آغاز و در قرن نوزدهم با پیامدهای مهم مذهبی، اجتماعی و سیاسی متبلور شد (حسین احمد، ۲۰۲۲). روند استقرار شیعیان در منطقه‌ای رخ داد که شهرک‌های زیارتی نه تنها از نظر جغرافیایی بلکه از نظر مذهبی و سیاسی نیز مرکزیت داشتند. این روند متضمن تشکیل یک جامعه شیعی منحصر به فرد در عراق بود که پویایی خود را دارد. گذار اقوام به تشیع، آستانه حساسی در روند شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی، مذهبی و اقتصادی دارد که جزء لاینفک تبیین سیاست معاصر عراق و بازیگران آن است و توجه به این موضوع را مهم می‌سازد (صباح، ۲۰۲۲).

جریان صدر پس از سرنگونی صدام حسین

از سال ۲۰۰۳، نخبگان شیعه که در زمان ایجاد دولت عراق در سال ۱۹۲۱ از مخالفان محسوب می‌شدند، به مرکز قدرت نقل مکان کردند و اکثریت غالب را تشکیل دادند و از این سال (۲۰۰۳)، دارای دولت شدند و تمام منابع دومین کشور نفت‌خیز جهان را در اختیار گرفتند.

برای چند نسل، خاندان بزرگ صدر رهبران کاریزماتیکي تربیت کردند که با قدرتی چشمگیر در جهان شیعه خود را نشان داده‌اند. این خانواده امروز بدون شک بازیگر اصلی سیاسی است که بدون آن دولت شیعه عراق عملیاتی نخواهد شد.

محمد باقر صدر، پدر همسر مقتدی، متولد ۱۹۳۵ در کاظمین عراق، نه تنها یک آیت‌الله بزرگ، بلکه یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان اسلام سیاسی شیعه بود. او در سال ۱۹۸۰ توسط رژیم صدام حسین در انتقام تلاش نافرجام ترور طاریک عزیز، معاون وقت نخست‌وزیر عراق، اعدام شد. این حزب توسط حزب الدعوه سازماندهی شد که محمد باقر صدر «لنین» حزب برای آن محسوب می‌شود.

محمد صادق الصدر، پدر مقتدی صدر، در سال ۱۹۴۳ در کاظمین به دنیا آمد. وی که یک روحانی اهل عمل و نه تفکر بود، مسیری را آغاز کرد که از رویارویی با رژیم صدام حسین در نهاد مرجعیت شکل گرفت. او در سال ۱۹۹۹ به همراه دو تن از پسرانش توسط مأموران سرویس امنیتی صدام حسین ترور شد.

در سال ۲۰۰۳، از همان هفته‌های اول اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا، نام مقتدی صدر نه تنها در میان نخبگان عراقی، بلکه در میان پل برمر نیز مطرح شد. ایالات متحده می‌خواست نه تنها کشور عراق، بلکه «ملت» عراق را نیز به روش خود بازسازی کند. از زمان ایجاد لشکر مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) تا تبدیل آن به سراپا السلام (SaS)، گرایش صدری با داشتن بزرگترین موقعیت مسلط، حوزه سیاسی شیعه را در انحصار خود درآورد. با این حال، از اول اکتبر ۲۰۱۹، جنبش صدری توسط جنبش اعتراضی تضعیف شده است و نمی‌توان با قاطعیت گفت که در سال‌های آینده از دیگر بازیگران رقیب پیشی خواهد گرفت.

مقتدی صدر نام خود را در چارچوب تهاجم ایالات متحده، فروپاشی دولت و جنگ داخلی بنا نهاد. او بدون داشتن منصبی، به یکی از تأثیرگذارترین سیاستمداران در عراق تبدیل شده است. قدرت مقتدی صدر بر جریان خود و روشی است که از آن برای ایجاد شهرت استفاده می‌کند. مقتدی یکی از معدود عراقی‌هایی است که می‌تواند هزاران نفر از پیروان خود را در هر زمان در خیابان بسیج کند. او از این دارایی برای تحت فشار قرار دادن مخالفان خود استفاده می‌کند و شهرت و نفوذ پیدا کرده است.

مقتدی صدر از طریق اتخاذ رویکردی متفاوت به سیاست و مذهب نسبت به سنت‌گرایان، مانند «علی سیستانی» یا اسلام‌گراهایی که فعالیت خود را براساس احزاب سیاسی قرار داده بودند برای کسب محبوبیت و مشروعیت از زبان خیابان استفاده کرد و پیروان خود را برای نشان دادن قدرت سیاسی بسیج کرد. مهم‌ترین پیشران ظهور او مقاومت مسلحانه در برابر اشغال آمریکا بود.

تهاجم آمریکا در واقع نقطه عطفی از نظر تعمیق بی‌ثباتی اجتماعی- اقتصادی و ایجاد هرج و مرج محیطی شد که منجر به درگیری‌های فرقه‌ای و بدتر شدن موازنه قدرت بین بازیگران سیاسی گردید که از زمان زمامداری بریتانیا تحت یک روند بی‌ثبات ملت‌سازی قرار گرفته بودند. تا قبل از اشغال آمریکا، حفظ هویت سنی- عربی دولت، به‌عنوان میراثی عمیقاً ریشه‌دار در اختیار بریتانیا، عنصر ثابتی از جنگ قدرت سیاسی بود که چندین بار از طریق کودتاهای نظامی و تغییر رژیم دست‌به‌دست شد.

مقتدی صدر ایده خود را بر مبنای ناسیونالیسم عراقی استوار کرد که از شکاف فرقه‌ای پیشی گرفت و به‌ویژه برای خروج نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۰۷ پیشگام یک مبارزه نظامی بود. بیشتر گروه‌های مخالف که از تبعید بازگشتند، به‌ویژه شورای عالی انقلاب اسلامی عراق (SCIRI)، از این پس تحت حمایت ایران و قدیمی‌ترین حزب اسلامی شیعه عراق، در سال ۲۰۰۵ دولت موقت را به رهبری ایالات متحده تشکیل دادند. نیروهای ائتلاف مقتدی با تأکید بر اینکه او هرگز عراق را ترک نکرد، موضعی کاملاً متفاوت از سایر گروه‌های مخالف شیعه داشتند. او در سال ۲۰۰۴ حمایت خود را از سنی‌های تحت محاصره آمریکا در فلوجه اعلام کرد. همچنین از شرکت در یک فرایند راه حل سیاسی با هدایت ایالات متحده خودداری کرد و به انتقادات تند ضد آمریکایی خود ادامه داد. بدین ترتیب، جنبش صدر رسماً در مذاکرات دولت موقت به این دلیل که گروه‌های شبه‌نظامی آن به خشونت دامن می‌زنند، وارد نشد. جیش‌المهدی متشکل از گروه‌های بزرگ و کوچک شبه نظامی نامنظم، درگیر نبرد مستقیم مسلحانه با نیروهای ائتلاف بود و متهم به تشدید تنش‌های فرقه‌ای بود.

علاوه بر این، سپاه مهدی به تدریج از کنترل مقتدی خارج شد و به گروه‌های کوچک تقسیم شد. مقتدی اگرچه حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره با آمریکایی‌ها نشد، اما از همان ابتدا از انتخابات به‌عنوان یک راه حل سیاسی مشروع حمایت کرد. واضح بود که شیعیان که از سوی رهبر مذهبی خود «سیستانی» برای شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۲۰۰۵ فراخوانده شده بودند، اکثریت دولت تشکیل‌شده را خواهند داشت. مقتدی دارای پایگاه اجتماعی بزرگی است که عمدتاً از افراد کم‌درآمد تشکیل شده است، در انتخابات با ائتلاف شیعی ائتلاف عراق متحد رقابت کرد و ۲۵ کرسی از ۱۲۸ کرسی پارلمان را به‌دست آورد. به‌طور فزاینده‌ای جیش‌المهدی در طول محاصره نجف در سال ۲۰۰۵ و موج ۲۰۰۷ آمریکا، خارج از کنترل و در

مرکز درگیری‌های فرقه‌ای، متحمل شکست‌های سنگین شد. صدر که بر سر حضور نظامی آمریکا در عراق با مالکی درگیر شد و به تشدید اختلافات فرقه‌ای متهم گردید، از ائتلاف خارج شد. در نهایت، او فعالیت واحدهای نظامی را کم کرد و از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ سکوت بیشتری کرد. نه تنها شکست نظامی و قرار گرفتن در کانون درگیری‌های فرقه‌ای، بلکه با عقب‌نشینی الحائری از حمایت رسمی، هم از نظر منابع اقتصادی و هم از نظر مشروعیت مذهبی ضعیف شد. از آنجایی که مشروعیت دینی جزء لاینفک رهبری اجتماعی یا سیاسی شیعه است، وی این روند را وقف تقویت شهرت دینی خود کرد. او در سال ۱۳۸۶ به ایران نقل مکان کرد و در حوزه علمیه قم حضور یافت تا مشروعیت دینی خود را به‌عنوان مجتهد در مقابل جوامع شیعی تأیید کند و به عراق بازگردد.

جنبش صدر در انتخابات پارلمانی، در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان بخشی از ائتلاف ملی عراق، در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان یکی از اعضای بلوک الاحرار و در سال ۲۰۱۸ به‌عنوان بخشی از ائتلاف سائرون، به‌طور فزاینده‌ای در تشکیل ائتلاف نقش اساسی داشت. او به تدریج آرای خود را افزایش داد و از مشارکت‌های ائتلافی خارج شد و بیشترین کرسی‌ها را در انتخابات عمومی ۲۰۱۸ به‌دست آورد. همچنین در این مرحله باید به این نکته اشاره کرد که مقتدی صدر از طریق گروه‌هایی که از آنها حمایت می‌کرد در هر انتخاباتی شرکت داشت و شخصاً نامزد انتخابات نشد.

از سوی دیگر، تا سال ۲۰۰۶، جیش‌المهدی به بخش‌هایی تقسیم شد (به‌ویژه نیروی قدس ایران که از عصاب اهل الحق حمایت می‌کرد). اگرچه جیش‌المهدی در سال ۲۰۰۷ تعلیق شد، اما برخی از شبه‌نظامیان که ادعا می‌کردند به نمایندگی از جنبش صدر می‌جنگند، همچنان در میدان حضور داشتند. در سال ۲۰۰۸، به‌دنبال درگیری بین نیروهای امنیتی عراق و گروه‌های شبه نظامی به دستور نخست وزیر مالکی، در زمانی که درگیری‌های فرقه‌ای در اوج بود، مقتدی دستور آتش‌بس داد. او جیش‌المهدی را منحل کرد و حمله به مردم و نیروهای امنیتی عراق را غیرقانونی اعلام کرد و آن را به یک شبکه خدمات اجتماعی تبدیل کرد. مقتدی پس از اعلام بازنشستگی غیرمنتظره خود از سیاست در سال ۲۰۱۳، بار دیگر از پیروان منحل‌شده خود خواست تا برای مبارزه با داعش پس از سقوط موصل در ژوئن ۲۰۱۴، تحت عنوان گردان‌های صلح (سرایا السلام) به مبارزه مسلحانه بپردازند.

اظهارات وی در سال ۲۰۱۳ یک عقب‌نشینی تاکتیکی بود، زیرا صدر از ائتلاف ملی عراق که در آن با بلوک الاحرار شرکت داشت، کنار رفت و سومین کرسی پارلمان شد که ۲۸ کرسی را

به‌دست آورد. در این میان، قیام‌های گسترده و عمدتاً به رهبری سنی‌ها که با موج بهار عربی در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، در طول سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ به جنبش‌های اعتراضی گسترده ضد دولتی تبدیل شد و اختلافات فرقه‌ای در یک طرف ناسیونالیستی ادغام شد. مقتدی صدر از همان ابتدا آشکارا از قیام‌های تحت رهبری کمونیست‌ها حمایت کرد و از همه مردم عراق دعوت کرد تا از سال ۲۰۱۶ تظاهرات مسالمت‌آمیز برگزار کنند. تظاهرکنندگان با فساد مبارزه می‌کردند و سیستم غنایمی را که وزارتخانه‌ها و مؤسسات عمومی را براساس اختلافات فرقه‌ای تقسیم می‌کرد، لغو کردند و یک دولت تکنوکرات را جایگزین آن کردند. علاوه بر این خواسته‌ها، صدر از نخست‌وزیر عبادی خواست تا شبه‌نظامیان غیرقانونی، از جمله شبه‌نظامیان شیعه را در ارتش عراق بگنجانند و گفت اگر خواسته‌هایش برآورده نشود، معترضان منطقه سبز حفاظت‌شده بین‌المللی را اشغال خواهند کرد. صدر با اتخاذ رویکرد ناسیونالیستی که از شکاف‌های فرقه‌ای جلوگیری می‌کند و شیعیان، سنی‌ها، کمونیست‌ها، لیبرال‌ها را شامل می‌شود، در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ به پیروزی آشکاری دست یافت. جنبش صدر، حزب کمونیست عراق، برخی گروه‌های کوچک سنی، شیعه و لیبرال گرد هم آمدند تا ائتلاف سائرون را تشکیل دهند و از هشت رقیب پیشی بگیرند و تعداد کرسی‌های پارلمان را از ۲۰ به ۵۴ افزایش دهند. گفتمان مشترکی که این گروه‌ها را در کنار هم نگه داشت اصلاحات اقتصادی و سیاسی، ارتقای سطح رفاه و اولویت دادن به ملی‌گرایی عراقی بر اختلافات فرقه‌ای بود.

صدر امروز خود را به‌عنوان یک عامل متعادل‌کننده در برابر نفوذ ایران در عراق و یک قهرمان اصلاحات تحمیل کرده است، اما جنبش او مسئول اکثر مشکلاتی است که عراق با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. جیش‌المهدی نقش اصلی را در دامن زدن به درگیری‌های فرقه‌ای ایفا کرد که سبب ویرانی بخشی از عراق شد و با ائتلاف آمریکایی و نیروهای عراقی جنگید. این جریان در مراحل اولیه، از حمایت ایران بهره‌مند شد و سه سال را در تبعید داوطلبانه در ایران گذراند و طی آن اعتبارات مذهبی خود را ارتقا داد.

اولین راهبرد جیش‌المهدی، نتیجه فروپاشی دولت و آشفتگی‌های پس از تهاجم آمریکا بود. در واقع، جیش‌المهدی علاوه بر مبارزه با گروه‌های شورشی سنی عرب، باید بر مخالفان خود در صفوف سیاسی شیعه، از جمله شورای عالی شیعیان عراق، و گردان‌های بدر (شاخه مسلح سابق شورای عالی شیعیان عراق) و همچنین حزب الدعوه اسلامی غلبه می‌کرد.

جیش‌المهدی صدر به ایجاد گروهی از شبه نظامیان متحد ایران کمک کرد که اخیراً به دلیل مقابله با به اصطلاح دولت اسلامی مورد تحسین قرار گرفته‌اند. امروز این گروه‌ها توسط نیروهای حشدالشعبی رهبری می‌شوند که زیر نظر دولت عراق تأسیس شده‌اند و به موازات ارتش ضعیف عراق عمل می‌کنند.

در سال ۲۰۱۱، صدر به لطف آموزش‌ها و حمایت‌هایی که در ایران دریافت کرد به‌عنوان یک چهره بادرایت و رسانه‌ای آگاه به عراق بازگشت. یک سال قبل از بازگشت وی به عراق، جنبش صدری در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ حدود چهل کرسی و هفت پست وزارتی و معاونت رئیس مجلس نمایندگان و همچنین سمت استانداری جنوب عراق را به‌دست آورد. جیش‌المهدی در تلاشی از سوی صدر برای تضعیف اعتباری که به دلیل دخالت در جنگ داخلی، خصومت‌های فرقه‌ای و اعمال جنایتکارانه لکه‌دار شده بود، به یک سازمان خدمات اجتماعی تبدیل شد. با این حال، سازمان توانست دوباره توانایی عمل به‌عنوان یک شبه‌نظامی را به‌دست آورد و هزاران مرد را برای شرکت در درگیری‌های مسلحانه در صورت نیاز بسیج کند.

جریان صدر در آینده عراق

دو ویژگی مقتدی صدر را از مخالفانش متمایز می‌کند: میراث پدرش، سید محمد صادق صدر و توانایی بسیج جنبش صدر. به لطف این دو مزیت، مقتدی ممکن است بتواند با نفوذ در عراق مقابله کند و گروه‌های سیاسی عراقی را به حرکت به سمت اصلاحات تشویق کند. در حالی که شبه‌نظامیان رقیب او به‌خاطر موفقیت‌هایشان در میدان نبرد علیه داعش شناخته می‌شوند، صدر مانند پدرش به‌عنوان صدایی برای بزرگترین بخش از جمعیت عراق - طبقات شیعه بی‌بضاعت - ظاهر شده است. پدر صدر در دهه ۱۹۹۰، زمانی که شیعیان از ظلم رژیم بعث و تحریم‌های سازمان ملل رنج می‌بردند، پایگاه اجتماعی قوی ایجاد کرد. چالش صدر با رهبری صدام حسین منجر به ترور وی در سال ۱۹۹۹ شد و او متعاقباً به نماد مقاومت شیعیان تبدیل شد. این میراث مشروعیت، جنبش صدر و مقاومت آن را در برابر مداخله همسایگان در امور عراق تقویت کرد؛ در نتیجه، استقلال و توانایی جنبش برای خودکفایی با کنترل آنچه به‌عنوان اقتصاد غیررسمی شناخته می‌شود و کنترل یا نفوذ آن بر وزارتخانه‌ها از سال ۲۰۰۳ (که به سازمان اجازه می‌داد از منابع دولتی به‌عنوان نوعی حمایت استفاده کند)، در کشوری که روحانیون، سیاستمداران و شبه‌نظامیان را عوامل قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه

خلیج فارس در نظر می‌گیرند یک امکان فوق‌العاده است.

اینکه صدر تا چه حد می‌تواند امید عراق برای مقابله با نفوذ همسایگان و کاهش فضای موجود در اختیار جناح‌ها و گروه‌های متحد با آن‌ها باشد، بستگی به ادامه مقاومت آیت‌الله سیستانی در برابر درخواست او برای ایفای نقش بیشتر در سیاست و حکومت در عراق دارد. صدر درست مانند پدرش در دهه ۱۹۹۰ مدت‌هاست که به دنبال رقابت با سیستانی بر سر قدرت و نفوذ بوده است. در آن دوره، پدر مقتدی صدر به سیستانی و اقتدار آنچه او قدرت و امتیاز آن می‌خواند حمله کرد، جدایی که روابط جنبش صدر را با مخالفان شیعه تبعیدی که در حال حاضر دولت عراق را کنترل می‌کنند، شکل داد.

صدر هنوز شرایط دینی و علمی را کسب نکرده است که بتواند با سیستانی (آیت‌الله‌العظمی و برجسته‌ترین مرجع شیعه) رقابت کند، اما پس از مرگ سیستانی به آن نیاز نخواهد داشت. مرسوم است که گذر از چنین وضعی از ماه‌ها تا سال‌ها طول می‌کشد و براساس یک فرایند تصمیم‌گیری جمعی انجام می‌شود که علاوه بر مشارکت و نفوذ افراد منتسب به آیت‌الله سیستانی، بزرگترین اعضای تشکیلات مذهبی نجف را نیز شامل می‌شود. اما بعد از آیت‌الله سیستانی، ممکن است مرجع دینی مسلط و برجسته‌ای وجود نداشته باشد. فضای سیاسی و مذهبی امروز بیش از گذشته متلاشی شده است. نهادهای ضعیف و مراکز متعدد و رقیب قدرت که در دهه گذشته در جامعه شیعی پدیدار شده‌اند، می‌توانند تأثیر گسترده‌ای بر سیاست قدرت در نجف داشته باشند. برای صدر، این وضعیت می‌تواند فرصتی برای پر کردن خلأیی که ممکن است مرگ سیستانی ایجاد کند، باشد. در حالی که گروه‌های متحد ایران در نجف و جاهای دیگر را به چالش می‌کشد تا مقاومت تاریخی نجف در برابر دکترین ولایت فقیه را که زیربنای سیاست اسلامی ایران است، تضمین کند.

در حال حاضر، اصرار فعلی صدر را باید واکنشی به ظهور مخالفان وی و انتخابات در عراق دانست، جایی که رقابت بر سر قدرت با ظهور گروه‌های شبه‌نظامی مردمی با مهارت‌های رزمی بالا که از حمایت افراد بانفوذ برخوردار هستند تشدید شده است. سفرهای صدر به کشورهای اطراف خلیج فارس می‌تواند بخشی از یک راهبرد بلندمدت با هدف تنوع بخشیدن به اتحادهای جنبش در منطقه و همچنین در سطح محلی در عراق باشد، جایی که او ممکن است به دنبال جذب آرا و حامیان بیش از معمول خود باشد. با توجه به گذشته جنبش، صدر با این تعهدات به‌عنوان یک

بازیگر جاه‌طلب و مؤثر ظاهر خواهد شد که نظام سیاسی در عراق را متزلزل خواهد کرد و احتمالاً تغییرات بزرگی را ایجاد خواهد کرد.

در درازمدت، صدر و سازمان او برای مشارکت در امور حکومتی مجهز نیستند، آن‌ها توانایی تبدیل بسیج به سیاست عمومی را ندارند و بخشی از مشکلی را تشکیل می‌دهند که عراق از آن رنج می‌برد. با این حال، با اعمال فشار کامل بر جمعیت، جنبش صدری می‌تواند فضایی را تعریف کند که امکان ظهور فرهنگ مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌کند و اصلاح‌طلبان عراق می‌توانند با حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی بر آن تکیه کنند.

در واقع، صدر باید حمایت لازم را از اصلاح‌طلبان عراق، از جمله جامعه مدنی، که نقش مهمی در آوردن مردم به خیابان‌ها ایفا کرده است، جمع کند. همچنین احتمال دارد او با متحدان غربی مانند العبادی نیز همکاری کند. این امر برای اطمینان از اینکه خواسته‌های حامیان صدر نادیده گرفته نمی‌شود، مهم خواهد بود، زیرا روحانیون آنها را غیرصادقانه و زورگو می‌دانند و در عین حال از درگیری جریان صدر و نیروهای دیگر جلوگیری می‌کنند.

درست است که جنبش صدری سابقه خشونت‌آمیز با ایالات متحده دارد، اما ائتلاف با سایر احزاب غربی را می‌پذیرد. حامیان صدر با این احتمال روبه‌رو هستند که جنبش آن‌ها به نیرویی موازی با احزاب متحد ایران تبدیل شود، اما آنها فاقد راهبرد خوب و توانایی‌های بالا برای حکومت هستند. به‌طور کلی‌تر، ایالات متحده و جامعه مدنی در مقطعی باید تصمیمات دشواری را در مورد گروهی اتخاذ کنند که ممکن است به پذیرش استانداردهای بین‌المللی و حقوق اولیه بشر نزدیک‌تر باشد و بتوان از آن‌ها خواست در برابر بازیگران بدخواه که تلاش می‌کنند آینده عراق را شکل دهند، مقاومت کنند.

در نقطه پایانی، نهضت صدر به‌عنوان یک جنبش اجتماعی تجسم یافت که ناسیونالیسم عراق را ایدئولوژی اصلی سیاسی خود قرار داد. مبارزه مسلحانه با سازمان شبه‌نظامی جیش‌المهدی شروع شد و تکامل یافت و خود را در روند سیاسی ادغام کرد و امروز به مکان‌های جدایی‌ناپذیر جنبش سیاسی-اجتماعی در سیاست عراق تبدیل شد. مقتدی اسلاف خود را در جنبش غیراجتماعی عراق پس از سال ۲۰۰۳ حفظ کرد و از شیعیان در محیط هرج‌ومرج پیشین دفاع نمود، به‌ویژه با شبه‌نظامیان خود که با سخنرانی‌های تند ضد آمریکایی بسیج شده بودند، تعادل را در بازسازی تغییر داد. علاوه‌بر این پس از صدام، او به‌طور قابل‌توجهی با گفتمان ملی‌گرایانه عراقی

به این کار ادامه می‌دهد. دلایل ظهور غیرمنتظره این رهبر جوان که قبل از سال ۲۰۰۳ در اپوزیسیون شیعه حضور پررنگی نداشت، به گذشته‌ای درازمدت برمی‌گردد که صرفاً با عمل‌گرایی یا فعالیت سیاسی روزمره او قابل توضیح نیست.

قابل بحث است که مقتدی صدر، که توسط رسانه‌های غربی همواره با الفاظ بدی توصیف می‌شود، چقدر غیرمنتظره است که یکی از تأثیرگذارترین رهبران سیاسی باشد. در عراق امروز او نهضت صدر را نه به‌عنوان یک حزب سیاسی، بلکه به‌عنوان جنبشی که شعار مرجعیت را پذیرفته و شامل همه کسانی است که از تعالیم شهید اول (آیت‌الله‌العظمی محمد باقر صدر) و شهید ثانی (پدرش) پیروی می‌کردند، تعریف می‌کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله پژوهشی، به‌دنبال بیان آینده جریان صدر در عراق تا افق ۲۰۳۰ است. تغییر جمعیت‌شناسی به‌عنوان یک چالش میان‌مدت برای نظم سیاسی عراق پس از سال ۲۰۰۳ به‌طور گسترده به‌عنوان ورشکستگی ایدئولوژیکی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از جوانان عراقی برای یافتن شغل تلاش می‌کنند. آنها دیگر سخنان ملی‌گرایانه، فرقه‌گرایانه یا اصلاح‌طلبانه رهبران خود را باور ندارند. در این پرتو، دستور کار اعتراضی صدر نشان‌دهنده تلاشی برای فاصله گرفتن خود و جنبشش از نظم سیاسی سمی است که هر روز به مردم عراق آسیب می‌رساند. همچنین ابزاری برای به‌دست آوردن اهرم فشار بر رقبای سیاسی است.

هدف صدر این است که با بی‌ثباتی کنترل‌شده‌ای که بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ رخ داد، مطابقت داشته باشد، زمانی که او بسیاری را متقاعد کرد که یک رهبر معترض است در حالی که هنوز اهرم فشار داخل دولت را حفظ کرده است. این امر به او اجازه می‌دهد تا افراد وفادار بیشتری را در سراسر نهادهای دولتی نصب کند و به هدف نهایی برکناری رقیب سیاسی اصلی خود، نوری المالکی، برسد.

با وجود «استعفا» در پایان اوت ۲۰۲۲، رابطه صدر به‌هیچ وجه با سیاست «تمام» نشده است. بازگشت او به دستور کار اعتراضات خیابانی، بخشی از یک راهبرد برای جمع‌آوری آرای بیشتر، قدرت بخشیدن به او در انتخابات آینده و روند تشکیل دولت است. با این حال، تلاش برای تغییر از شیعه‌محوری به دولت‌سازی صدرمحور و نارضایتی فزاینده از سیاست وضع موجود در پایگاه او، اکنون الگوی بی‌ثباتی کنترل‌شده (یا مهارشده) صدر را به نقطه شکست می‌کشاند. نتیجه آن یک

سیاست صدری بی‌ثبات‌تر و ارتجاعی‌تر و تمایل شدید صدریان به ریسک‌پذیری و در نتیجه، افزایش محاسبات و اشتباهات صدر (مانند خروج نمایندگان مجلس، یا انتقاد از پیروان خود به دلیل تشدید خشونت در منطقه سبز بغداد در اواخر اوت ۲۰۲۲) است. درنهایت، یک جنبش صدری با ثبات کمتر به معنای تمایل به سمت بی‌ثباتی بیشتر برای نظام سیاسی عراق است.

بنابراین احتمال پیش‌بینی جریان صدر در آینده عراق دشوار می‌شود اما براساس نتایج به دست آمده از پژوهش مشخص شد که در درازمدت، تشکیلات، به دلیل عدم تخصص حرفه‌ای سیاست، توانایی حضور بسیج نیروهای خود را در سمت‌های اجرایی ندارند و حضور آن‌ها به تنهایی و بدون ائتلاف با نیروهای دیگر می‌تواند بر مشکلات عراق اضافه نماید با این حال جنبش صدر می‌تواند فضایی را ترسیم کند که امکان ظهور فرهنگ مسئولیت‌پذیری را فراهم نموده و در ائتلاف با اصلاح‌طلبان عراق بتوانند بر سیاست عراق تأثیرگذار باشند. جریان صدر این توانایی را دارد که نیروهای خود را به خیابان بیاورد و این توانایی در ائتلاف با نیروهای حاکمیتی اصلاح‌طلب می‌تواند بر سیاست عراق تأثیرگذار باشد.

فهرست منابع

الف) منابع عربي

- حسين احمد، عيسى (٢٠٢٢). العلاقة السياسية بين الملك فيصل و علماء الدين الشيعة في العراق (١٩١٨-١٩٣٣) وأثرها على التطور السياسي في تاريخ العراق الحديث. مجلة كلية الآداب، جامعة الإسكندرية، ٧٢ (١١٠)، ١-٥٠.
- حسين كاظم، عزيز (٢٠١٥). الأثر العقدي عند السيد محمد تقى الحكيم فى كتابه (الأصول العامة للفقهاء المقارن). مجلة أهل البيت عليهم السلام، ١(١٧)، ١٧٥-١٤٨.
- الشيخ (٢٠٢٢). دور مرجعية الدينية فى تاريخ العراق المعاصر... ثورة ثورة ربيع منورجا. مجلة كلية التربية الأساسية، ٢٨.
- صباح كريم، رباح الفتلاوى (٢٠٢٢). حركة ميس ١٩٤١ فى العراق ضد بريطانيا و النجف الاشرف فيها - دراسة الإدارة. أوروك للعلوم الإنسانية، ١(١٥) - (الجزء الاول - مؤتمر التاريخ).
- طاهر ناصر الحمود، على (٢٠٢٠). بناء الدولة والأمة من منظور النخبة المثقفة العراقية (دراسة سوسيولوجية على عينية من النخبة الشيعية). حوليات أداب عين شمس، ٤٨ (يناير-مارس (أ))، ١٢٦-١١٠.
- عبدالمنعم بكر، م (٢٠٢٢). الطائفية السياسية و تحديات فاعلية الدولة فى العراق. مجلة كلية الاقتصاد والعلوم السياسية، ٢٣(٢)، ١٧٣-١٤٦.
- گرعوى، وسن سعيد (٢٠٠٩). السيد محسن الحكيم: دراسة فى دوره السياسي والفكرى فى العراق، ١٩٤٦-١٩٧٠ م. مؤسسة آفاق للدراسات والبحاث العراقية.
- مجموعة مؤلفين (٢٠١٩). الشيعة العرب: المواطنة والهوية. المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات.

ب) منابع انگليسي

- Adair-Toteff, C. 2005. "Max Weber's Charisma." *Journal of Classical Sociology* 5 (2): 189-204.
- Ali, H. 2016. "السيد مقتدي الصدر سرق الزعامة و يطمح للمزيد." (Sayyid Muqtada al-Sadr stole the leadership and aspires for more). Alhewar. 18 March. Accessed 9 April 2021.
- Altae, S. A. (2016). The political role of MMS Al-Sadre in the contemporary of Iraqi history (1991-1999). *Ahl Al-Bait Jurnal*, 1(20).
- Al-Zaydi, A. 2017. مقتدي الصدر قيادة فوق الشبهات. (Muqtada al-Sadr leadership beyond doubt), accessed 9 April 2021.
- Aziz, T. M. 1993. "The Role of Muhammad Baqir al-Sadr in Shii Political Activism in Iraq from 1958 to 1980." *International Journal of Middle East Studies* 25 (2): 207-222.
- McCarthy, J. D., & Zald, M. N. (1977). Resource mobilization and social movements: A partial theory. *American journal of sociology*, 82(6), 1212-1241.
- Médard, J.-F. 1992. "Le «big Man» En Afrique: Esquisse D'analyse Du Politicien Entrepreneur." *L'Année Sociologique* (1940/1948-), 167-192.
- Rahimi, B. (2008). The Future of Muqtada al-Sadr's New Jaysh al-

- Mahdi. *Institute for the Study of War*, 9.
- Rahimi, B. (2010). The Return of Muqtada al-Sadr and the Revival of the Mahdi Army. *CTC Sentinel*, 3(6), 8-10.
 - Sahlins, M. D. 1963. "Poor Man, Rich Man, Big-Man, Chief: Political Types in Melanesia and Polynesia." *Comparative Studies in Society and History* 5 (3): 285–303.
 - Sandoval-Almazan, R., & Gil-Garcia, J. R. (2014). Towards cyberactivism 2.0? Understanding the use of social media and other information technologies for political activism and social movements. *Government information quarterly*, 31(3), 365-378.
 - Scott, A. (2023). *Ideology and the new social movements*. Taylor & Francis.
 - Selvik, K., & Amirteimour, I. (2020). The Big Man Muqtada al-Sadr: Leading the Street in Iraq under Limited Statehood. *Third World Thematics: A TWQ Journal*, 5(3-6), 242-259.
 - Tarrow, S. (2011). Global, conventional and warring movements and the suppression of contention. Themes in contentious politics research. *Política & Sociedade*, 10(18), 25.
 - Tilly, C., & Tarrow, S. G. (2015). *Contentious politics*. Oxford University Press.